

تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۸/۱۹

منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

روح الامین سعیدی^{*۱}
حمیدرضا مقدم فر^۲

۱. دکترای روابط بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکترای مدیریت استراتژیک دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، تهران، ایران.

چکیده

تغییرات گسترده و جریان ساز محیط جهانی طی دهه های اخیر و کاهش مقبولیت کاربرد قدرت سخت، توجه به مظاهر قدرت نرم را برای کنشگران اجتناب ناپذیر ساخته است. لذا کشورهای مختلف حتی در سطوح منطقه ای سرمایه گذاری های قابل توجهی به منظور ارتقاء منابع قدرت نرم خود انجام داده اند. امروزه سرمایه گذاری در حوزه ای استحصال قدرت نرم امری نیست که هیچ کشوری از جمله جمهوری اسلامی ایران - به عنوان یکی از اعضای نظام جهانی که لاجرم باید خود را با اقتضانات این نظام سازگار سازد - از آن مستثنی باشد. مقاله ی پیش رو شناسایی و بررسی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در دستور کار دارد. سؤال اصلی مقاله در خصوص چستی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران است و نگارندگان با کاربرد روش توصیفی - تحلیلی و در چارچوب نظریه ی قدرت نرم جوزف نای این فرضیه را مطرح می سازند که جمهوری اسلامی ایران در سه سطح فرهنگ، ارزش ها و سیاست خارجی منابعی برای اعمال قدرت نرم در اختیار دارد که در صورت شناخت دقیق و سرمایه گذاری مناسب، به خوبی قابل استحصال هستند. نوآوری مقاله ی حاضر بیش تر ناشی از توجه به کنش سیاست خارجی به عنوان یک منبع مولد قدرت نرم است. نگارندگان با طرح شاخص عدم منفعت محوری در سیاست خارجی مدعی هستند رفتارها و کنش های غیرمنفعت محورانه ی یک کشور در ارتباط با سایرین می تواند منجر به ارتقاء وجهه و در نتیجه افزایش قدرت نرم آن در جوامع مخاطب گردد. در این زمینه به مصادیقی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استناد شده است.

واژگان کلیدی: قدرت نرم، جاذبه، فرهنگ، ارزش ها، سیاست خارجی.

طی دهه‌های اخیر متعاقب پایان جنگ سرد و فروپاشی نظم دوقطبی و شدت گرفتن فرایند جهانی‌شدن در محیط بین‌الملل، بسیاری از قواعد و معادلات حاکم بر روابط کنشگران دستخوش تحولات ماهوی عمیقی شده به طوری که شیوه‌ی تعامل آنان و نحوه‌ی رقابت بر سر کسب قدرت و تحقق منافع و اهداف را تا حد زیادی دگرگون ساخته است. نمود و آثار این تحولات همچون سایر عرصه‌ها در عرصه‌ی شیوه‌های اعمال قدرت نیز به صورت گذار از رواج قدرت سخت به قدرت نرم مشاهده می‌شود. بی‌شک جمهوری اسلامی ایران نیز از تبعات این چرخش صورت گرفته در سطح جهانی به جانب مظاهر قدرت نرم مصون نبوده است. جمهوری اسلامی ایران از منابع درخور توجهی برای اعمال قدرت نرم برخوردار است که در صورت شناخت دقیق و سرمایه‌گذاری مناسب، به خوبی قابل استحصال هستند. لذا پیش از هر چیز ابتدا لازم است منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به صورت دقیق و واقع‌بینانه احصاء گردد و مخاطبانی که می‌توان به اتکای این منابع بر آنان اعمال قدرت نمود نیز مشخص شوند که این مهم در دستور کار مقاله‌ی حاضر قرار دارد.

در زمینه‌ی شناسایی منابع قدرت نرم ایران تاکنون آثار پژوهشی چندی تألیف و منتشر شده‌اند که البته هرکدام حاوی عیوب و نقایصی هستند که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود. کتاب قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه‌ی موردی لبنان) تألیف مهدی بیکی (۱۳۸۸) که در این اثر تلاش بومی خوبی برای تبیین موضوع صورت پذیرفته است اما: اولاً- منابع قدرت نرم ایران را سه سطح سیاست، فرهنگ و اقتصاد بررسی کرده است در حالی که اقتصاد از مظاهر قدرت سخت است و تلقی آن به عنوان یک منبع مولد قدرت نرم چندان صحیح و منطقی به نظر نمی‌رسد. ثانیاً- در سطوح سیاست و فرهنگ نیز نگارنده موارد متعددی را (شانزده مورد در سطح سیاسی و ده مورد در سطح فرهنگی) به عنوان مظاهر قدرت نرم ایران ذکر می‌کند که اصل گنجانده شدن برخی از آن‌ها ذیل این سطوح و امکان طرحشان به عنوان منبع قدرت نرم محل اشکال و تردید جدی است. مطالعه مهم بعدی، مقاله «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران» اثر حسین هرسیج و دیگران (۱۳۸۸) است که آن هم بدون احصاء منابع قدرت نرم ایران، تنها به معرفی ده ابزار و راهکار عملی دستیابی و در اختیار داشتن قدرت نرم پرداخته است.

بنابراین به منظور جبران خلأهای موجود، نگارندگان با کاربرد روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشند، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سه سطح فرهنگ، ارزش‌ها و

سیاست خارجی شناسایی و مورد بررسی قرار دهند. نوآوری مقاله‌ی حاضر بیش تر ناشی از توجه به کنش سیاست خارجی به عنوان یک منبع مولد قدرت نرم است. برخلاف پندار برخی صاحب نظران که معتقدند سیاست خارجی از جنس فعالیت است و نباید آن را یک منبع قدرت تلقی کرد، نگارندگان این مقاله با طرح شاخص عدم منفعت محوری در سیاست خارجی مدعی هستند رفتارها و کنش‌های غیرمنفعت محورانه‌ی یک کشور در ارتباط با سایرین می‌تواند منجر به ارتقاء و جبهه و در نتیجه افزایش قدرت نرم آن در جوامع مخاطب گردد. در این زمینه به مصادیقی از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران استناد شده است. مقاله‌ی حاضر در دو بخش به نگارش درآمده است. در بخش اول مباحث نظری قدرت نرم بر مبنای نظریات جوزف نای طرح می‌گردد و بخش دوم در سه فراز جداگانه به بررسی منابع قدرت نرم ایران اختصاص می‌یابد.

۱. چارچوب نظری: نظریه‌ی قدرت نرم

الف. چیستی قدرت نرم

اگر قدرت را به معنای توانایی تأثیرگذاری بر دیگران به منظور کسب نتایج دلخواه در نظر بگیریم، می‌توان گفت قدرت نرم عبارت است از توانایی کسب مطلوب از طریق «جاذبه» نه از طریق اجبار یا تطمیع. قدرت نرم توانایی شکل‌دهی، اثرگذاری و تعیین باورها و امیال دیگران است به نحوی که تضمین‌کننده‌ی اطاعت و فرمان‌برداری آنان باشد. در نگاه جوزف نای قدرت نرم از قدرت سخت - به طور خاص قدرت اقتصادی و نظامی که به ترتیب مبتنی بر «مشوق‌ها» (هویج‌ها) و «تهدیدات» (چماق‌ها) هستند - متمایز می‌شود. بنابراین نای تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای را از قدرت پیشنهاد می‌کند: نظامی، اقتصادی و نرم. قدرت نظامی و اقتصادی هر دو ماهیتی سخت دارند و قدرت نرم از این حیث با آن‌ها متفاوت است که مبتنی بر توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است. آن توانایی‌ای که تولید جذابیت می‌کند و منجر به فرمان‌برداری و تبعیت می‌گردد. (Nye, 2007: 163; Lukes, 2007: 90)

ب. منابع مولد قدرت نرم

نای از سه عامل به عنوان منابع مولد قدرت نرم نام می‌برد که عبارت‌اند از: فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی. البته نای هیچ‌یک از این سه مؤلفه را به صورت مطلق مطرح نمی‌کند بلکه برای آن‌ها شروطی قائل می‌شود. به زعم وی فرهنگ در صورتی که برای دیگران جذاب باشد، ارزش‌ها در صورتی که در داخل و خارج مورد توجه قرار گیرند و

البته توسط اقدامات و رویه‌های ناهمخوان تضعیف نگردند و سیاست خارجی در صورتی که مشروع، درون‌گذارنده و دارای اقتدار اخلاقی به نظر آید، در زمره‌ی منابع قدرت نرم محسوب می‌شوند. (Nye, 2010: 4; Nye, 2007: 164) در زیر، این منابع سه‌گانه با تفصیل بیش‌تری مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

اول. فرهنگ

فرهنگ می‌تواند مولد قدرت باشد؛ اما باید پرسید آیا قدرت آفرینی خصوصیت ماهوی همه‌ی فرهنگ‌ها محسوب می‌شود و آیا جوامع بشری جملگی قادرند به پشتوانه‌ی فرهنگ خود بر یکدیگر اعمال قدرت نمایند؟ پاسخ نای به پرسش مذکور منفی است. وی شرط جذابیت را مطرح می‌کند و عقیده دارد فرهنگ کشوری را می‌توان قدرت آفرین نامید که در انظار مردمان دیگر کشورها جذاب باشد. البته باید توجه داشت که اولاً جذابیت منابع فرهنگی، ویژگی ذاتی محسوب می‌شود نه اکتسابی؛ یعنی یک فرهنگ یا ذاتاً جذاب هست یا جذاب نیست و لذا نمی‌توان با فعالیت‌هایی مانند دیپلماسی عمومی منابع فرهنگی را به سهولت تغییر داد و به ذخایر آن افزود. ثانیاً جذابیت فرهنگ مطلق نیست بلکه بستگی به دریافت و تفسیر مخاطبان دارد. لذا ممکن است محصولات فرهنگی یک کشور در نظر مردمان جامعه‌ای جذاب و در نظر مردمان جامعه‌ی دیگر غیرجذاب باشد. از همین رو میزان تأثیرگذاری قدرت نرم فرهنگی را می‌بایست در ارتباط خاص با جوامع هدف سنجید نه به طور کلی (هادیان و احدی، ۱۳۸۸: ۱۰۴ - ۱۰۳).

دوم. ارزش‌ها

ارزش‌های بنیادینی که یک دولت آن‌ها را پذیرفته و سرلوحه‌ی عمل خویش قرار داده است، در صورتی که جذاب باشند و در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار گیرند، می‌توانند در نقش منابع مولد قدرت نرم ظاهر شوند. جوزف نای شماری از ارزش‌های آمریکایی مانند مردم‌سالاری، آزادی فردی، گشودگی و تحرک رو به بالا را برخوردار از چنین خصیصه‌ای می‌داند. به زعم وی این ارزش‌های قدرت‌آفرین در آینده‌ی فرهنگ عامه (مانند آزادی فردی)، رفتارها و سیاست‌های داخلی (مانند مردم‌سالاری)، نحوه‌ی عملکرد در نهادهای بین‌المللی (مانند گوش فرادادن به سخن دیگران) و سیاست‌های خارجی یک کشور (مانند پیشبرد صلح و حقوق بشر) متجلی می‌شوند. (Nye, 2002: 9-11)

سوم. سیاست خارجی

سیاست خارجی یک کشور و مجموع کنش‌ها و واکنش‌های آن در ارتباط با سایر

کنشگران جهانی هم به عنوان یک منبع بالقوه‌ی مولد قدرت نرم قلمداد می‌شود. باید گفت سیاست خارجی دولت‌ها می‌تواند عملکردی دوگانه داشته باشد و به کاهش یا افزایش ذخایر قدرت نرم آنان بینجامد. بی‌شک اقدامات غیرمسئولانه، غیرعقلانی، سبکسرانه و نامشروع یک دولت در عرصه‌ی جهانی قدرت نرم آن را فرو خواهد کاست اما اقداماتی که به گفته‌ی نای مشروع، درون‌گذارنده و برخوردار از اعتبار اخلاقی باشد، منجر به افزایش قدرت نرم دولت خواهد شد. وجه تمایز سیاست خارجی از دیگر منابع قدرت نرم (فرهنگ و ارزش‌ها) این است که نسبت به آن دو بیش‌تر قابلیت تغییر دارد. به نظر می‌رسد در خصوص ارتباط میان سیاست خارجی و قدرت نرم با یک معما روبرو هستیم. جای تردیدی نیست که سیاست خارجی از جنس فعالیت است و قدرت نرم از جنس منبع؛ یعنی سیاست خارجی به عنوان یک فعالیت، منابع قدرت نرم مانند فرهنگ جذاب را در راستای تحقق اهداف و تأمین منافع ملی کشور به کار می‌گیرد و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهد اما در عین حال خود سیاست خارجی نیز به عنوان یک منبع مولد قدرت نرم معرفی شده است. لذا این سؤال به ذهن متبادر می‌گردد که سیاست خارجی چه وقت در حکم فعالیتی به منظور کاربرد منابع قدرت نرم و چه وقت در حکم منبع قدرت نرم خواهد بود؟ جوزف نای پاسخ روشنی به پرسش مذکور نداده است اما به زعم نگارندگان می‌توان از شاخص منفعت‌محوری یا عدم منفعت‌محوری در جهت‌گیری سیاست خارجی برای حل این معما استفاده کرد. سیاست خارجی قاعداً یک فعالیت منفعت‌طلبانه به شمار می‌آید و دولت‌ها به هنگام تعیین نوع حرکت‌ها و کنش‌های بین‌المللی خود در ارتباط با سایرین همواره حساب هزینه و فایده را در نظر می‌گیرند؛ یعنی از رهگذر هر اقدامی در پی بیشینه‌سازی دستاوردها و کمینه‌سازی هزینه‌هایشان به نسبت دیگران هستند و منافع ملی خود را بر همه چیز اولویت می‌بخشند. بالطبع اتخاذ چنین رفتاری بر مبنای منطق واقع‌گرایانه‌ی روابط بین‌الملل کاملاً عقلانی و پذیرفتنی است اما بدون شک موجب ارتقاء وجهه‌ی یک کشور در انظار مردمان دیگر جوامع و افزایش قدرت نرم آن نخواهد شد. لذا در رویکرد منفعت‌محور، سیاست خارجی تنها فعالیت محسوب می‌شود نه منبع قدرت نرم. حال اگر دولتی در یک مورد خاص رویکرد منفعت‌محور را کنار گذاشته و با انگیزه‌های اخلاقی و بشردوستانه و بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی به یاری مردم یک کشور بشتابد و نیازهای آنان را بر منافع ملی خود ترجیح دهد، در این صورت فعالیت سیاست خارجی می‌تواند به عنوان منبع قدرت نرم عمل کرده و سبب ترفیع جایگاه کشور عامل در جامعه‌ی هدف گردد. مشارکت گسترده و داوطلبانه‌ی

جمهوری اسلامی ایران در امر بازسازی لبنان پس از جنگ ویرانگر سال ۲۰۰۶ و نیز ارسال کمک‌های بلاعوض نقدی و غیرنقدی از سوی جمهوری اسلامی ایران برای سیل‌زدگان پاکستانی در سال ۲۰۱۰ را می‌توان از مصادیق فعالیت‌های غیرمنفعت‌محور سیاست خارجی دانست.

البته با توجه به نقش کانونی عنصر جذابیت در مفهوم قدرت نرم به نظر می‌رسد فعالیت سیاست خارجی تنها زمانی می‌تواند موجب افزایش قدرت نرم گردد که از سوی جامعه‌ی هدف به عنوان یک عمل جذاب شناخته شود؛ یعنی فارغ از نیت دولت عامل، این مخاطبان هستند که باید در مورد ماهیت خیرخواهانه، بشردوستانه، صادقانه و غیرمنفعت‌طلبانه‌ی رفتار سیاست خارجی دولت‌ها قضاوت کنند. برای مثال اگر جمهوری اسلامی ایران در کمال صداقت کمک‌های بشردوستانه‌ای را برای سیل‌زدگان پاکستانی گسیل دارد اما مردم پاکستان به درستی در جریان این اقدام قرار نگیرند و یا اگر علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلان و بدون چشم‌داشت جمهوری اسلامی ایران در امر بازسازی لبنان، شهروندان لبنانی به دلیل عملکرد احیاناً نادرست مجریان طرح و یا تحت تأثیر القانات و فضا سازی‌های رسانه‌های معاند ایران، این اقدامات گسترده را نه به مثابه فعالیت خیرخواهانه بلکه به مثابه دستاویزی برای اعمال سلطه و مداخله‌ی سیاسی دولت ایران در امور داخلی لبنان تفسیر کنند، می‌توان گفت سیاست خارجی نتوانسته است چیزی به ذخایر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بیفزاید.

۲. شناخت منابع قدرت نرم

با الگو قرار دادن تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای که در چارچوب نظری به آن اشاره شد، می‌توان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سه سطح به شرح ذیل برشمرد:

۱-۲. سطح فرهنگ

الف. فرهنگ و تمدن ایرانی

طبق دیدگاه نای تنها آن بخش از ذخایر فرهنگ و تمدن ایرانی به عنوان منبع قدرت نرم قابل بهره‌برداری است که برای مردمان جوامع خارجی جذابیت داشته باشد. لذا به منظور برآورد قدرت نرم فرهنگ ایرانی می‌بایست ضمن کنار گذاشتن آن بخش‌هایی که صرفاً مصرف داخلی دارند، تنها به ذکر مواردی پرداخت که قابل عرضه در سطح جهانی یا لاقلاً سطح منطقه‌ای هستند. با چنین رویکردی می‌شود چهار مظهر فرهنگ و تمدن ایران را شناسایی کرد که بالقوه می‌توانند منبع مولد قدرت نرم باشند:

اول. زبان و ادبیات فارسی

زبان فارسی تنها در سه کشور ایران، افغانستان و تاجیکستان به عنوان زبان رسمی محسوب می‌شود اما در کشورهای هم‌چون عراق، ترکیه، ازبکستان و پاکستان نیز گروه‌هایی از فارسی‌زبانان حضور دارند. همچنین رگه‌هایی از زبان فارسی در زبان‌های دیگری نظیر ترکی، هندی، اردو، ارمنی، گرجی و سواحیلی قابل رؤیت است. در کل جمعیتی حدود یک‌صد میلیون نفر در دنیا به زبان فارسی سخن می‌گویند و حدود دویست میلیون ترک، ترکمن، ازبک و اردوزبان هم بهره‌ای از فارسی دارند (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۲۰). «درصد مطلق جمعیت فارسی‌زبانان مناطق ژئوپلیتیکی جهان با توجه به کل جمعیت هر منطقه عبارت است از: خاورمیانه (۷۹٪ درصد)، آسیا پاسیفیک (۳٪ درصد)، اوراسیای مرکزی (۱۳/۸۹ درصد)، اروپا (۰/۰۵ درصد)، آفریقا (۰/۰۰۲ درصد)، آمریکای شمالی (۵۴٪ درصد)، آمریکای لاتین (۰/۰۰۱ درصد)» (هرسیج و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۳۶). با این حساب زبان فارسی به دلیل محدود بودن گویش‌وران آن در سراسر جهان قابل قیاس با زبان‌هایی مانند انگلیسی، فرانسوی یا چینی نیست و گستره‌ی نفوذ آن بیش‌تر منطقه‌ای است نه جهانی لذا تنها می‌تواند در منطقه‌ی اوراسیای مرکزی در ارتباط با کشورهایمانند افغانستان، تاجیکستان و ترکمنستان یا منطقه‌ی شبه‌قاره در ارتباط با کشورهای چین هند و پاکستان به عنوان منبع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران کارایی داشته باشد. البته نباید فراموش کرد که ادبیات کهن فارسی که نمایانگر هویت ایرانی و آیین‌های فرهنگ، اندیشه، آرزوها، آرمان‌ها و به طور کلی جهان‌بینی ملت بزرگ ایران است، با وجود مفاخری مانند حافظ، سعدی، فردوسی، مولوی و خیام و با برخورداری از مضامین بسیار غنی و والا دارای شهرتی جهانی بوده و مورد اقبال شمار زیادی از دوستداران شعر و ادب در جوامع مختلف جهان قرار دارد تا جایی که آثار مشاهیر ادب فارسی به زبان‌های گوناگون ترجمه شده و در زمره‌ی کتب پرفروش به شمار می‌آیند (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۸۹: ۱۶۲). در نتیجه جاذبه‌ی ادبیات فارسی هم می‌تواند مجرای برای تأثیرگذاری بر شماری از اقشار فرهیخته، دانشجویان و اهل ادب حتی در جوامع غیرفارسی زبان باشد. به دلیل همین جاذبه‌ها است که دوره‌های آموزش زبان فارسی در نقاط مختلف دنیا با استقبال پرشور علاقه‌مندان روبرو می‌شود.

دوم. رسوم و آیین‌ها

رسوم و آیین‌های برآمده از فرهنگ ایرانی هم در صورت بهره‌مندی از ویژگی جذابیت

خارجی می‌توانند به عنوان منابع فرهنگی مولد قدرت نرم تلقی شوند که بارزترین مصداق در این زمینه جشن نوروز است. جشن نوروز به عنوان باستانی‌ترین جشن تمدن بشری ریشه‌ای ایرانی دارد اما در بسیاری دیگر از جوامع سراسر جهان نیز گرامی داشته می‌شود. جشن نوروز در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۹ توسط سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در «فهرست میراث فرهنگی غیرملموس بشری» به ثبت رسید. یونسکو نوروز را یک سنت فرهنگی و یک جشن باستانی می‌داند که نماد اولین روز بهار و تجدید حیات طبیعت است و موجب تقویت ارزش‌های صلح و همبستگی میان نسل‌ها و درون خانواده‌ها و نیز آشتی و حُسن هم‌جواری می‌شود و لذا به تنوع فرهنگی و دوستی میان مردمان جوامع مختلف یاری می‌رساند. (UNESCO, 2011)

سوم. هنرها

محصولات صنایع فرهنگی و هنری کشورها به شرط داشتن جاذبه برای مخاطبان خارجی منابع قدرت نرم هستند چنان‌که بخش عظیمی از ذخیره‌ی قدرت نرم ایالات متحده‌ی آمریکا مرهون وجود آثار هنری تولید هالیوود است. جمهوری اسلامی ایران هم در این زمینه ظرفیت‌های چشمگیری دارد که در صورت سرمایه‌گذاری مناسب می‌توانند در راستای بالا بردن قدرت نرم آن به کار گرفته شوند. صنایع دستی ایرانی را که حاصل ذوق و چیره‌دستی هنرمندان این سرزمین است، مردمان جوامع مختلف جهان می‌شناسند. فرش و قالی ایرانی سرآمد این صنایع هستند که همواره مشتاقان بسیاری در فراسوی قلمرو کشور دارند. موسیقی اصیل ایرانی نیز برخوردار از آوازه‌ای جهانی است و هر ساله چندین کنسرت با هنرمندی خوانندگان و نوازندگان برجسته‌ی ایران در کشورهای خارجی برگزار می‌شود. همچنین سینمای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی جهش قابل توجهی داشته و خود را در سطح جهانی مطرح کرده است. به طوری که فیلم‌های سینمایی کارگردانان ایرانی طی سال‌های اخیر در جشنواره‌های متعدد خارجی به نمایش درآمده‌اند و جوایز معتبری را از جمله جایزه‌ی اسکار سال ۲۰۱۲ کسب کرده‌اند و برخی سریال‌های ایرانی هم توانسته‌اند با جذب مخاطبان پرشماری در کشورهای همسایه به موفقیت‌های بزرگی دست یابند.

چهارم. آثار باستانی

کشور ایران به عنوان میراث‌دار یکی از کهن‌ترین و بزرگ‌ترین تمدن‌های بشری، گنجینه‌ی ارزشمندی از آثار باستانی را در خود جای داده که یادآور سابقه‌ی طولانی

فرهنگی و تمدنی ایرانیان است. وجود این آثار علاوه بر عواید مادی‌ای که برای صنعت گردشگری کشور دارد، می‌تواند زمینه‌ی جذب مردم جوامع خارجی، تأثیرگذاری بر آنان و قرار دادنشان در معرض واقعیات جامعه‌ی ایرانی را فراهم سازد. بر اساس گزارش سال ۲۰۱۱ مجمع جهانی اقتصاد که به رتبه‌بندی شاخص رقابت‌پذیری در صنعت گردشگری و سفر میان ۱۳۹ کشور جهان پرداخته بود، ایران از حیث در اختیار داشتن جاذبه‌های گردشگری فرهنگی - تاریخی در رتبه‌ی نهم جهان می‌ایستد (همشهری آنلاین، ۱۳۹۲). پس در شرایطی که بسیاری از افکار عمومی جهانی بر اثر القانات مخرب رسانه‌های معاند ایران را کشوری عقب‌مانده و غیرمتمدن می‌انگارند، آثار باستانی موجود در جای‌جای کشور مانند اصفهان و شیراز را باید به چشم منابع فرهنگی جذابی نگریست که به منظور اصلاح تصویر برون‌مرزی ایران و ارتقاء وجهه‌ی آن نزد مردمان سایر کشورها قابل بهره‌برداری هستند.

ب. فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی را می‌توان مجموعه‌ی عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه‌های عمل منبث از شریعت اسلام قلمداد کرد. بر مبنای این تعریف اگر بخواهیم فرهنگ اسلامی را که به موازات فرهنگ ایرانی قوام‌بخش هویت ملت ایران محسوب می‌شود، به عنوان منبع قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران در نظر بگیریم، لازم است عناصری جاذبه‌آفرین را در این فرهنگ شناسایی کنیم که علاوه بر مسلمانان ایرانی مورد توجه و اقبال مسلمانان آن سوی مرزها نیز قرار داشته باشد تا جمهوری اسلامی بتواند به پشتوانه‌ی آن‌ها بر مردم جوامع خارجی اعمال نفوذ کند. با این پیش‌فرض باید گفت به سختی می‌شود عنصری را در فرهنگ اسلامی عام سراغ گرفت که جمهوری اسلامی ایران بتواند به اتکال آن بر دیگر جوامع دنیای اسلام اعمال قدرت نرم کند. لذا منابع قدرت نرم ایران صرفاً در بستر فرهنگ اسلامی شیعی قابل ردیابی هستند که در این میان دو مورد از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند:

اول. نفوذ مرجعیت شیعه

مرجعیت را بدون تردید باید یکی از مهم‌ترین نهادهای جوامع شیعی قلمداد کرد که به دلیل کارکرد بسیار مهمی که در مذهب شیعه برای آن در نظر گرفته شده است، ظرفیت فوق‌العاده‌ای جهت اعمال نفوذ بر افکار عمومی شیعیان، تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی‌شان و تعیین دستورکار برای آنان دارد. لذا از آنجایی که دامنه‌ی نفوذ مرجعیت

هرگز محدود به مرزهای جغرافیایی نیست و حتی شیعیان ساکن در کشورهای خارجی را نیز در بر می‌گیرد، می‌توان این نهاد را یک منبع مولد قدرت نرم به حساب آورد. نفوذ مرجعیت شیعه که امری نهادینه شده در فرهنگ جوامع شیعی محسوب می‌شود، یکی از منابع مهم تولید قدرت نرم برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. اگرچه این منبع ماهیتاً ربطی به انقلاب اسلامی نداشته و پیش از آن نیز موجود بوده است، لکن پیروزی انقلاب اسلامی موجب تقویت آن شد تا جایی که امروزه مراجع حوزه‌ی قم از نفوذ چشمگیری در سراسر جهان تشیع برخوردارند و حتی آیت‌الله سیستانی به عنوان برجسته‌ترین و ذی‌نفوذترین مرجع شیعیان عرب‌زبان در حوزه‌ی نجف، خود یک فرد ایرانی تبار است و روابط خوبی با حوزه‌ی قم و نظام جمهوری اسلامی ایران دارد.

دوم. فرهنگ شهادت و فرهنگ انتظار

شهادت و انتظار دو عنصر حیاتی در فرهنگ شیعه هستند که ظرفیت قدرت آفرینی بالایی دارند. فرهنگ شهادت که از اعتقاد به زندگی جاویدان پس از مرگ نشأت می‌گیرد، کشته شدن در راه آرمان‌های اسلامی و نبرد با دشمنان اسلام را اقدامی بسیار پسندیده و موجب جلب رضای الهی و تحقق سعادت و بهروزی ابدی برای شهید می‌داند. این باور قلبی راسخ، انرژی و انگیزه‌ی فوق‌العاده‌ای در روح افراد ایجاد می‌کند تا جهت نیل به آرمان‌ها دست به فداکاری بزنند. معتقدان به فرهنگ شهادت همواره خود را در میان دو امر نیکو (احدی الحُسَینین) می‌بینند که یکی پیروزی در جنگ و غلبه بر دشمنان و دیگری کشته شدن در راه خدا و کسب سعادت اخروی است. بالطبع وقوع هر کدام از این دو حالت دستاورد بزرگی محسوب می‌شود و همین مسئله یک مجاهد شیعه را عملاً شکست‌ناپذیر می‌سازد. انجام عملیات‌های شهادت‌طلبانه (استشهادی) توسط رزمندگان مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین مصداق بارزی از تجلی بیرونی فرهنگ شهادت است. به موازات فرهنگ شهادت، فرهنگ انتظار یا مهدویت هم موجب تقویت احساس قدرتمندی در نهاد شیعیان می‌شود. مذهب تشیع فرجامی بسیار روشن و آرمانی را برای جهان تصویر می‌کند و معتقد است که در پایان تاریخ با قیام سراسری مهدی موعود به عنوان آخرین بازمانده از نسل پیشوایان الهی، تمامی نظام‌های ظالمانه‌ی الحادی سرنگون و یک دولت عدل جهانی با حاکمیت امام معصوم تشکیل خواهد شد. همین امیدواری به بهبود اوضاع جهان با ظهور منجی، سبب خوشبین ماندن شیعیان به نتیجه‌ی تلاش‌ها و مبارزاتشان می‌شود و از بروز رخوت و یأس جلوگیری می‌کند. در مجموع وجود دو عنصر شهادت و انتظار در فرهنگ شیعه قدرت فوق‌العاده‌ای به شیعیان می‌بخشد.

۲-۲. سطح ارزش‌های انقلاب اسلامی

الف. الگوی اسلام سیاسی

یکی از غنی‌ترین منابع مولد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بدون تردید الگوی اسلام سیاسی است. این الگو را می‌توان دستاورد اساسی انقلاب اسلامی برای محیط جهانی دانست زیرا مفاهیم و ارزش‌های بدیعی را عرضه کرد که در تاریخ معاصر جهان کاملاً بی‌سابقه بود و برای ملت‌ها بسیار تازگی داشت. تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی جدایی دین از سیاست (سکولاریسم) ایده‌ای کاملاً جاافتاده در سراسر دنیا محسوب می‌شد و این باور برآمده از فلسفه‌ی غرب تقریباً در همه‌جا مورد پذیرش قرار گرفته بود که دین فقط تدبیرکننده‌ی امور زندگی شخصی انسان است و حق ورود به عرصه‌ی اجتماع را ندارد و امور مربوط به زندگی اجتماعی را تنها باید با کاربرد قوانین و الگوهای منبعت از خرد بشری مدیریت کرد. شدت سیطره‌ی تفکر سکولاریستی و عاری انگاشتن دین از هرگونه کارکرد سیاسی و اجتماعی به حدی بود که حتی در کشورهای اسلامی نیز گروه‌های مبارز مسلمان حرکت‌های مبارزاتی خود را اغلب با الهام از اندیشه‌های ملی‌گرایانه، سوسیالیستی یا کمونیستی انجام می‌دادند. تا جایی که شیخ اسعد تمیمی از رهبران فلسطینی می‌گوید: «تا زمان انقلاب ایران، اسلام از عرصه‌ی نبرد غایب بود؛ حتی در عرصه‌ی واژگان، برای مثال به جای جهاد از کلماتی چون نصال و کفاح استفاده می‌شد» (بیکی، ۱۳۸۹: ۱۸۳). الگوی اسلام سیاسی انقلاب ایران وجوه گوناگونی دارد که هر یک به نوعی موجب جذابیت و قدرت‌زایی آن می‌شود و از جمله می‌توان به معنویت‌گرایی در سیاست اشاره کرد. انقلاب اسلامی تا حدود زیادی از سیاست منفعت‌محور ماکیاولیستی که تنها حساب هزینه و فایده‌ی مادی منتج از عقلانیت ابزاری را سرلوحه‌ی کنش سیاسی قرار می‌دهد فاصله گرفت و با وارد ساختن مفاهیم دینی به عرصه‌ی سیاست‌ورزی، سیاست را صبغه‌ای الهی و قدسی بخشید. جالب است که این ویژگی انقلاب اسلامی از رصد میشل فوکو فیلسوف فرانسوی نیز مستور نمانده و او که در ایام پیروزی انقلاب از نزدیک شاهد تحولات ایران بوده است، عنصر معنویت را نیروی محرکه‌ی اصلی انقلاب و عامل چیرگی انقلابیون بر قدرت سخت رژیم شاه معرفی می‌کند. به زعم وی درآمیختن معنویت با سیاست سبب شده است که حتی مناسک و آیین‌های مذهبی شیعیان مانند عزاداری عاشورا نیز رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته و در راستای اهداف انقلابی مورد استفاده قرار گیرد. فوکو قدرت نرم انقلاب ایران را نهفته در پیام معنوی آن

می‌داند که برای جهان ارسال می‌شود و لذا این انقلاب را روح جهان بی‌روح لقب می‌دهد (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۷ - ۷۴).

وجه دیگر الگوی اسلام سیاسی ولایت فقیه است. در الگویی که انقلاب اسلامی به جهان عرضه نمود، یک فقیه مجتهد جامع‌الشرایط در رأس هرم قدرت قرار دارد و هدایت کلان سیاسی و دینی جامعه‌ی شیعه را برعهده می‌گیرد. تفاوت ولی فقیه با دیگر رهبران سیاسی این است که او علاوه بر قدرت سیاسی قانونی خود، به دلیل قداست جایگاهش که به باور شیعیان جایگاه نیابت از امام معصوم محسوب می‌شود، ارتباط معنوی و عاطفی عمیقی با پیروانش دارد که در دیگر نظام‌ها کم‌تر می‌توان نمونه‌ی مشابهی برای آن سراغ گرفت. همچنین از آنجایی که در رویکرد آرمانی اسلام مرزهای جغرافیایی به رسمیت شناخته نمی‌شود، دامنه‌ی نفوذ ولی فقیه تنها محدود و منحصر به قلمرو کشور تحت حکومتش نیست بلکه ممکن است احکام و فرامین وی برای بسیاری از شیعیان معتقد به نظریه‌ی ولایت فقیه در سراسر جهان تشیع نیز قابل پذیرش باشد و همین مسئله به ولی فقیه توانایی تعیین دستور کار می‌بخشد.

ب. استقلال و مقاومت

استقلال‌طلبی، استکبارستیزی و مقاومت در برابر سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ در زمره‌ی بنیادین‌ترین ارزش‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آیند که در ارتباط تنگاتنگ با ارزش‌های دیگری مانند آزادی، عدالت، جهاد، ایثار و شهادت، منظومه‌ی کامل گفتمانی انقلاب را هویت و معنا می‌بخشند. البته این ارزش‌ها مولود انقلاب اسلامی نیستند بلکه از آموزه‌های اسلام شیعی نشأت می‌گیرند. اساساً گفتمان سیاسی تشیع مولد قدرت است و همواره پیروان خود را به مقاومت و جهاد علیه مستکبرین و حضور فعالانه در عرصه‌ی سیاست فرامی‌خواند. لذا امام خمینی هم به عنوان یک رهبر دینی و سیاسی شیعه این ارزش‌های شیعی را ارکان اصلی نهضت خود قرار داد و انقلاب اسلامی را بر شالوده‌ی آن پایه‌گذاری کرد. به زعم وی اتخاذ موضعی مستقل در عرصه‌ی بین‌المللی و عدم سرسپردگی به کانون‌های قدرت و مقاومت در برابر امپریالیسم جزو عناصر مقوم ماهیت انقلاب است (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۹، ۵). استقلال و مقاومت که انقلاب اسلامی آن را در هیئت یک ارزش سیاسی به جهان عرضه کرد، مورد علاقه و احترام بسیاری از ملت‌های آزادی‌خواه و ضد امپریالیست در سراسر جهان قرار دارد؛ یعنی آن‌ها انقلاب اسلامی را به دلیل التزامش به ارزش استقلال‌طلبی و مقاومت در برابر نظام سلطه ارج می‌نهند. جالب است که این ارج‌گذاری تنها مختص ملت‌های مسلمان نیست بلکه حتی در میان

غیرمسلمانان استکبارستیز در نقاط مختلف دنیا نیز می‌توان مشتاقانی را سراغ گرفت که شیفته‌ی هویت مستقل و مقاوم انقلاب اسلامی هستند. لذا جذابیت ذاتی ارزش‌های استقلال و مقاومت در نظر خیل کثیری از مردمان خارجی، این ارزش‌ها را به منابعی برای اعمال قدرت نرم تبدیل می‌کند.

ج. حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان

حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان یکی دیگر از ارزش‌های ماهوی انقلاب اسلامی است که موجب ارتقاء جایگاه آن در میان طبقات مظلوم و مستضعف کشورها و جلب توجه آن‌ها به ایران می‌شود. انقلاب اسلامی از بدو شکل‌گیری‌اش با صفت حامی مستضعفان مشهور شد و پشتیبانی معنوی از تمامی ملت‌های مظلوم را به عنوان یک ارزش اساسی برای خود تعریف کرد. البته این ارزش هم حاصل سلاقی شخصی رهبران انقلاب نیست بلکه ریشه در آموزه‌های شریعت اسلام دارد. پس به اقتضای فرامین اسلام بود که رهبران انقلاب اسلامی از ابتدا پشتیبانی از مستضعفین را در صدر شعارها و ارزش‌های انقلاب قرار دادند. چنان‌که امام خمینی می‌گفت: «خدای تبارک و تعالی اراده فرموده است که زمین را به این مستضعفین بدهد و این مستکبرین را از صحنه‌ی تاریخ خارج بکند و ما قیام کردیم برای این معنا و تمام ملت‌های مظلوم را پشتیبانی می‌کنیم و تمام ملت‌های مظلوم باید ظالم‌ها را از صفحه‌ی روزگار بیرون کنند و از تاریخ بیرون برانند» (خمینی، ۱۳۷۹؛ ج ۱۰، ۲۲۹). با این حساب از آنجایی که حمایت انقلاب اسلامی از مظلومان و مستضعفان جهان سبب جلب علاقه و اشتیاق آن‌ها به انقلاب و موطن آن یعنی ایران می‌شود، می‌توان این ارزش را به مثابه منبعی برای تأثیرگذاری نرم‌افزاری بر همان اقشار مظلوم و مستضعف قلمداد کرد.

۲-۳. سطح سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

الف. ضدیت با نظام سلطه

راهبرد ضدیت با نظام سلطه را باید انعکاس ارزش استقلال و مقاومت در رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دانست؛ یعنی از آنجایی که در گفتمان انقلاب اسلامی اتخاذ موضع مستقل و ایستادگی در برابر ابرقدرت‌های جهانی به مثابه یک ارزش تلقی می‌شود، بالطبع جمهوری اسلامی ایران نیز مسیر حرکت خود را در محیط بین‌المللی بر همین اساس ترسیم کرده است که خطوط کلی آن را می‌توان در قانون اساسی سراغ گرفت. برای مثال اصل دوم «نفی هرگونه ستم‌گری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری» و

اصل سوم «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب» را مورد تأکید قرار داده است. ضدیت با نظام سلطه که طی سه دهه‌ی گذشته به عنوان یک راهبرد مستمر و تغییرناپذیر همواره سرلوحه‌ی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده و تجلی آن در رفتارها و کنش‌هایی نظیر تداوم خصومت با ایالات متحده‌ی آمریکا و رژیم صهیونیستی یا مقاومت سرسختانه در مقابل فشار کشورهای غربی در جریان کشمکش هسته‌ای قابل مشاهده است، برای بسیاری از افراد و گروه‌های سلطه‌ستیز و منتقد ساختار ظالمانه و ناعادلانه‌ی سیاست بین‌الملل در نقاط مختلف جهان جذابیت دارد و موجب دل‌بستگی آنان به دولت و ملت ایران می‌شود که می‌توان از این ظرفیت در راستای اعمال قدرت نرم استفاده کرد.

ب. حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش

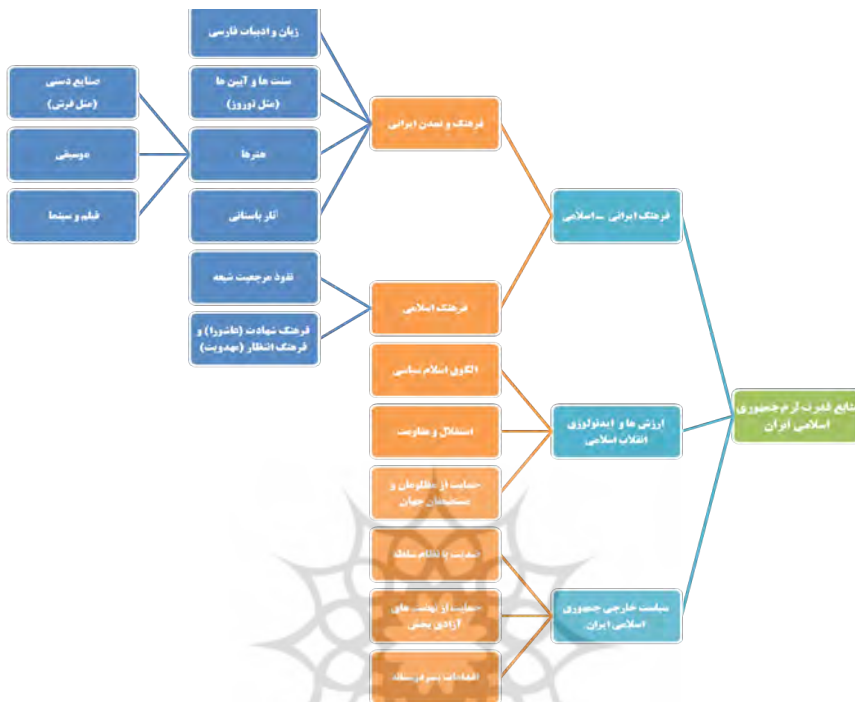
پیامد نهادینه شدن ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران این است که پشتیبانی معنوی و حتی مادی از نهضت‌های آزادی‌بخش به عنوان یکی از تعهدات برون‌مرزی کشور تلقی می‌شود به طوری که در اصل صد و پنجاه و چهارم قانون اساسی آمده است: «جمهوری اسلامی ایران... در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه‌ی حق‌طلبانه‌ی مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند.» همچنین امام خمینی اظهار می‌داشت: «ما اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده‌ی جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ آسیب‌ناپذیر، نیاز سربازان اسلام را تأمین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین اصول و روش‌های مبارزه علیه نظام‌های کفر و شرک آشنا می‌سازد» (خمینی، ۱۳۷۹: ج ۲۰، ۲۲۷). رویکرد حمایتی جمهوری اسلامی به گروه‌های مبارز و نهضت‌های آزادی‌بخش خصوصاً در کشورهایمانند لبنان، فلسطین و عراق سبب ارتقاء وجهه و جایگاه ایران در میان این گروه‌ها و حامیان مردمی‌شان شده است تا جایی که آن‌ها ایران را به چشم یک الگو و هدایتگر می‌نگرند و در بسیاری از موارد تابع رهنمودهای رهبران و مقامات ایرانی هستند. از این حیث سیاست حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش را نیز می‌توان در زمره‌ی منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرد.

ج. اقدامات بشردوستانه

چنان‌که در بخش اول مطرح شد، اتخاذ سیاست خارجی درون‌گذارنده و اخلاق‌مدار می‌تواند مولد قدرت نرم برای یک کشور باشد؛ به عبارت دیگر اقدامات اخلاقی،

بشردوستانه و غیرمنفعت‌محور یک کشور در تعامل با جوامع خارجی موجب شکل گرفتن تصویری مطلوب از آن در اذهان مردمان این جوامع خواهد شد و بستر مناسبی را به منظور اعمال نفوذ مؤثر بر آنان فراهم خواهد ساخت. البته سیاست خارجی بشردوستانه ممکن است از منظر عقلانیت ابزاری و با حساب هزینه و فایده چندان مقرون به صرفه نباشد و معمولاً باورداشت‌های ایدئولوژیک مبنای اجرای آن قرار می‌گیرد. در این زمینه جمهوری اسلامی ایران ظرفیت‌های قابل توجهی دارد. دولتمردان جمهوری اسلامی همواره اقدامات بشردوستانه و اخلاق‌مدار را جزو اولویت‌های سیاست خارجی قرار داده و گاهی اوقات حتی این اقدامات را با پرداخت مبالغ گزافی دنبال کرده‌اند؛ یعنی کمک‌های خارجی نه تنها منفعت مادی به همراه نداشته بلکه کشور را متحمل هزینه‌های سنگینی نموده است. برای مثال می‌توان از اعطای مساعدت‌های بلاعوض مالی به برخی از کشورهای فقیر منطقه و جهان اسلام و یا میزبانی از حدود دو میلیون آواره‌ی افغانی و عراقی طی دو دهه به عنوان مصادیق فعالیت‌های بشردوستانه‌ی سیاست خارجی نام برد. تا جایی که به اذعان کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد، ایران پذیرای سومین جمعیت بزرگ پناهجویان در جهان بوده است. افغانستان با ۸۰٪ و عراق با ۱۸٪ بیش‌ترین میزان پناهجویان را در خاک ایران به خود اختصاص داده‌اند (هرسیچ و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۸؛ هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۵۱). البته تجربه گواه آن است که اقدامات بشردوستانه علی‌رغم هزینه‌بر بودن موجب افزایش قدرت نرم کشور و ارتقاء ضریب نفوذ آن در جوامع هدف شده است. برای مثال امروزه بخش مهمی از قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در عراق پس از صدام ناشی از فعالیت‌های عمرانی غیرمنفعت‌محور در برخی از شهرهای این همسایه‌ی غربی است. «ایران برای کمک به توسعه‌ی شهرهای شیعه‌نشین عراق که نزدیک به ۶۰٪ جمعیت عراق را شامل می‌شود، پروژه‌های زیربنایی نظیر مدرسه و بیمارستان را به انجام رسانده است. این تلاش‌ها بخشی از راهبرد ایران برای کسب حمایت مردم جنوب عراق و کمک به توسعه‌ی این مناطق محسوب می‌شود» (عطایی و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۰). همچنین دولتمردان کنونی عراق که مورد حمایت جمهوری اسلامی قرار دارند، همان مخالفان تبعیدی دولت عراق هستند که در دوران دیکتاتوری صدام حسین به ایران پناه آورده بودند (احدی، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

شکل شماره ۱: منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران



دامنه تأثیر	منابع قدرت نرم ایران
منطقه آسیای مرکزی و شبه قاره هند و به صورت محدود در سراسر جهان	زبان و ادبیات فارسی
ملت هایی که دارای زمینه فرهنگی و تمدنی مشترک هستند	رسوم و آیین ها
سراسر جهان	هنرها
سراسر جهان	آثار باستانی
جامعه تشیع	نقوذ مرجعیت شیعه
جامعه تشیع	فرهنگ شهادت و فرهنگ انتظار
جهان اسلام	الگوی اسلام سیاسی
تمامی ملت های ضد امپریالیست در سراسر جهان	ارزش استقلال و مقاومت
تمامی ملت های ضد امپریالیست در سراسر جهان	ارزش حمایت از مظلومان و مستضعفان
تمامی ملت های ضد امپریالیست در سراسر جهان	ضدیت با نظام سلطه
خاورمیانه	حمایت از نهضت های آزادی بخش
سراسر جهان	اقدامات بشردوستانه

نتیجه‌گیری

این مقاله کوشید تا با استفاده از نظریه‌ی قدرت نرم جوزف نای منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را در سه سطح فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست خارجی شناسایی و احصا نماید. در سطح فرهنگ ایرانی تنها آن بخش از ذخایر فرهنگی و تمدنی ما به عنوان منبع قدرت نرم قابل بهره‌برداری است که برای مردمان جوامع خارجی جذابیت داشته باشد. با ملاحظه‌ی این نکته‌ی کلیدی، زبان و ادبیات فارسی، رسوم و آیین‌هایی مانند جشن نوروز، هنرهای ماند صنایع دستی، موسیقی و سینما و نیز آثار باستانی ایرانی به عنوان منابع فرهنگی مولد قدرت نرم شناسایی شدند زیرا هم در نظر مخاطبان خارجی در جوامع مختلف جاذبه‌های فراوانی دارند و هم نمایانگر هویت و پیشینه‌ی تاریخی ملت ایران و حامل پیام‌های فرهنگی آن هستند. این منابع را می‌توان در سراسر جهان به ویژه در ارتباط با ملت‌هایی که دارای زمینه‌ی فرهنگی و تمدنی مشترک با ایران هستند از جمله در منطقه‌ی آسیای مرکزی و شبه‌قاره‌ی هند برای اعمال قدرت نرم به کار گرفت. در سطح فرهنگ اسلامی به سختی می‌شود عنصری را در فرهنگ اسلامی عام سراغ گرفت که جمهوری اسلامی ایران بتواند به اتکای آن بر دیگر جوامع دنیای اسلام اعمال قدرت نرم کند. لذا منابع قدرت نرم ایران صرفاً در بستر فرهنگ اسلامی شیعی قابل ردیابی هستند که در این میان، مواردی مانند نفوذ مرجعیت شیعه و یا فرهنگ شهادت و فرهنگ انتظار از قابلیت قدرت‌زایی بسیار زیادی برخوردارند و البته تنها در ارتباط با جوامع شیعه کاربرد دارند.

در سطح ارزش‌ها و ایدئولوژی انقلاب اسلامی بیان گردید که الگوی اسلام سیاسی با وجوه و مظاهر بدیع و گوناگون آن (نظیر معنویت‌گرایی و ولایت فقیه) و نیز ارزش‌هایی همچون استقلال و مقاومت و حمایت از مظلومان و مستضعفان جهان طی سه دهه‌ی گذشته ظرفیت‌های عظیمی برای اعمال قدرت نرم‌افزاری در اختیار جمهوری اسلامی ایران گذاشته و به آن توانایی الگوسازی و الهام‌بخشی داده‌اند. الگوی اسلام سیاسی در جهان اسلام و دو ارزش مذکور در میان تمامی ملت‌های ضد امپریالیست در سراسر جهان قابل عرضه هستند.

در سطح سیاست خارجی هم سیاست‌هایی که در نظر مردم جهان جذابیت داشته باشند و نیز فعالیت‌های برون‌مرزی غیرمنفعت‌محور با انگیزه‌های اخلاقی و بشردوستانه و بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی و اقتصادی می‌توانند در نقش منبع قدرت نرم عمل کرده و سبب ترفیع جایگاه کشور عامل در جامعه‌ی هدف شوند. لذا راهبرد ضدیت

با نظام سلطه و حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش و همچنین اقدامات بشردوستانه در کشورهای نیازمند کمک به عنوان منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران معرفی گردید. راهبرد ضدیت با نظام سلطه در میان تمامی ملت‌های ضد امپریالیست در سراسر جهان، راهبرد حمایت از نهضت‌های آزادی‌بخش در منطقه‌ی خاورمیانه و اقدامات بشردوستانه در سراسر جهان قابل ارائه است.

البته لازم به ذکر است که در اختیار داشتن منابع بالقوه‌ی قدرت نرم الزاماً به معنای توانایی اعمال آن نیست بلکه از قوه به فعل رساندن این منابع به منظور تحقق اهداف مورد نظر سیاست خارجی نیازمند سرمایه‌گذاری و انجام فعالیت‌های گسترده است. برای مثال مادامی که جذابیت فرهنگی و ارزشی یک کشور با ترفندهای گوناگون در ذائقه‌ی مردمان دیگر کشورها ننشیند، آن کشور علی‌رغم همه‌ی جاذبه‌های ذاتی منابعش قادر به اعمال قدرت و تأثیرگذاری بر رفتار سایر کشورها نخواهد بود؛ یعنی بهره‌مندی از عنصر جذابیت یک مسئله است و توانایی اشاعه و ترویج این جذابیت به نحوی که موجب تسخیر قلوب و اذهان مردمان جوامع گردد مسئله‌ای دیگر. باید توجه داشت «این‌که آیا در اختیار داشتن منابع قدرت واقعاً نتایج مطلوب را ایجاد کند، به زمینه و مهارت‌های عامل در تبدیل منابع به نتایج رفتاری بستگی دارد» (یاسوشی و مک‌کانل، ۱۳۸۹: ۵۰).

منابع

- قرآن کریم.

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

- احدی، افسانه (۱۳۸۶)، *دیپلماسی عمومی آمریکا و قدرت نرم ایران در صحنه عراق*، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.

- بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، *قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران* (مطالعه موردی لبنان)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

- نای، جوزف (۱۳۸۷)، *قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل*، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.

- یاسوشی، واتانابه و دیوید مک‌کانل (۱۳۸۹)، *دیپلماسی عمومی، جامعه مدنی و قدرت نرم: مطالعه موردی ژاپن و ایالات متحده*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

- آدمی، علی و مهدی ذوالفقاری (۱۳۹۱)، «اثرگذاری قدرت نرم در دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۲۹، بهار.

- جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱)، «قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه صدور فرهنگی انقلاب»، *فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، شماره ۴، پاییز.

- درخشه، جلال و مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام: فرصت‌ها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها»، *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، شماره ۱۶، زمستان.

- عطایی، فرهاد، روح‌الله قادری کنگاوری و نبی‌الله ابراهیمی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و قدرت نرم؛ ایران و آمریکا در عراق جدید»، **فصلنامه سیاست**، شماره ۳، پاییز.

- هادیان، ناصر و افسانه احدی (۱۳۸۸)، «جایگاه مفهومی دیپلماسی عمومی»، **فصلنامه روابط خارجی**، شماره ۳، پاییز.

- هرسیج، حسین، مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری (۱۳۸۸)، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، **پژوهشنامه علوم سیاسی**، شماره ۲، بهار.

- _____ و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۹)، «تأثیر مؤلفه‌های هویت‌ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، شماره ۹، بهار.

- _____، علی اصغر ستوده و عابد اصلانی (۱۳۹۱)، «تأثیر جنبش‌های اسلامی - مردمی سال ۲۰۱۱ بر منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا در خاورمیانه»، **فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی**، شماره ۳۰، پاییز.

- همشهری آنلاین (۱۳۹۲)، ایران از گردشگری ضعیف به رتبه برتر رقابت‌پذیری گردشگری جهان رسید، <http://hamshahrionline.ir/details/۲۰۷۵۰۸> (دسترسی در ۶ خرداد ۱۳۹۲).

- Lukes, Steven (2007), "Power and the Battle for Hearts and Minds: On the Bluntness of Soft Power", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), **Power in World Politics**, London and New York: Routledge.

- Nye, Joseph S (2002), **The Paradox of American Power: Why the World's Only Superpower Can't Go It Alone**, Oxford University Press.

- _____ (2007), "Notes for a Soft Power Research Agenda", in Felix Berenskoetter and M. J. Williams (Eds.), **Power in World Politics**, London and New York: Routledge.

- _____ (2010), "The Future of Soft Power in US Foreign Policy", in Inderjeet Parmar and Michael Cox (Eds.), **Soft Power and US Foreign Policy: Theoretical, Historical and Contemporary Perspectives**, London and New York: Routledge.

- UNESCO (2011), "Celebration of Nowruz", Retrieved 27 May, 2013, from [http://www.unesco.org/new/en/unesco/events/unesco-house/cultural-events/?cHash=8f18d4a0f7&tx_browser_pi1\[showUid\]=3328](http://www.unesco.org/new/en/unesco/events/unesco-house/cultural-events/?cHash=8f18d4a0f7&tx_browser_pi1[showUid]=3328)